

Duties of the head of the judicial district to replace the prosecutor

Mohammad Mohammadi Ghooohaki¹ Received Date: 23 Sep 2021
Mohammad Javad Beqizadeh² Reception Date: 7 Dec 2021
Morteza Barati³

Abstract

The idea of a fair trial based on the principles and norms of the international human rights system has emerged among various nations over the years, and most domestic laws have built their legal systems on this basis. Considering that the prosecutor has an important role in the process of fair trial in the general sense, including the stage of preliminary investigation, the stage of trial in court and the execution of criminal sentences. Also, the protection of civil rights and legitimate freedoms, in addition to maintaining security and public order, which is one of the most important demands of citizens, has been entrusted to the prosecutor in accordance with the law. Any disruption in the performance of these duties can affect the fair trial process and have irreparable consequences. Because the duties of the prosecutor in the ward are the responsibility of the head of the district jurisdiction and in his absence the trial is alternate. On the other hand, the legislator has made the branches of the district court both the rank and the dignity of the second criminal court. Due to legal obstacles, the head of the judicial district is not able to perform his full duties as the prosecutor in the district court. Therefore, this legal shortcoming, especially in the preliminary investigation stage, especially the monitoring of detention and

¹. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran

². Assistant Professor, Faculty of Humanities, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran (Corresponding Author) baqizadeh@gmail.com

³. Assistant Professor, Faculty of Humanities, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran

pre-trial freedoms, while endangering the rights and legitimate freedoms of citizens, can also put security and social order in a vulnerable position.

Keywords: Head of Judicial District, Alternate Judge, Prosecutor, Fair Preliminary Investigation

وظایف رئیس حوزه قضایی بخش به جانشینی از دادستان

محمود محمدی قوهکی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱
 محمدجواد باقی‌زاده^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۶
 مرتضی براتی^۳

چکیده

تفکر دادرسی عادلانه بر مبنای اصول و موازین نظام بین المللی حقوق بشر سالها است که در میان ملل مختلف به منصفه ظهور رسیده و اکثر قوانین داخلی، سیستم حقوقی خود را بر این اساس بنا نموده اند. نظر به اینکه دادستان نقش به سزایی در فرآیند دادرسی عادلانه به معنای عام، اعم از مرحله تحقیقات مقدماتی، مرحله محاکماتی در دادگاه و اجرای احکام کیفری دارد. همچنین صیانت از حقوق شهروندی و آزادی های مشروع به علاوه حفظ امنیت و نظم عمومی جامعه که از مهمترین خواسته های شهروندان می باشد مطابق قوانین بر عهده دادستان گذاشته شده است. هرگونه اختلال در اجرای وظایف مذکور می تواند در روند دادرسی عادلانه تأثیرگذار بوده و پیامدهای جبران ناپذیر در پی داشته باشد. از آنجا که وظایف دادستان در بخش به عهده رئیس حوزه قضایی بخش و در غیاب وی دادرسی علی البدل می باشد. از طرفی قانونگذار شعب دادگاه بخش را هم ردیف و هم شأن دادگاه کیفری دو قرار داده است رئیس حوزه قضایی به جهت موانع قانونی قادر به انجام وظایف کامل به جانشینی از دادستان

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

۲. استادیار، دانشکده علوم انسانی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران (نویسنده مسئول)
 baqizadeh@gmail.com

۳. استادیار، دانشکده علوم انسانی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

در دادگاه بخش نیست. لذا این نقیصه قانونی خصوصاً در مرحله تحقیقات مقدماتی به ویژه نظارت بر بازداشت و آزادی های پیش از محاکمه، ضمن به مخاطره انداختن حقوق و آزادی های مشروع شهروندان میتواند امنیت و نظم اجتماعی را نیز در یک موقعیت آسیب پذیر قرار دهد.

کلمات کلیدی: رئیس حوزه قضایی بخش، دادرس علی البدل، دادستان، دادرسی عادلانه تحقیقات مقدماتی

مقدمه و بیان مسئله

دادرسی عادلانه به معنای عام در اکثر اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و قوانین اساسی کشورها مورد حمایت قرار گرفته است و همیشه مورد توجه حقوقدانان بوده است. تقریباً تمام نظامهای حقوقی مدرن که منطبق با استانداردهای نظام بین‌المللی حقوق بشر شکل گرفته وجود دادستان را به عنوان یکی از ارکان دادرسی عادلانه مبتنی بر اجرای عدالت و حفظ حقوق شهروندان توأم با صیانت از امنیت و نظم عمومی جامعه پذیرفته‌اند. و بر این باورند که علاوه بر اینکه وظیفه دادستان رسیدگی به جرم و صیانت از امنیت و نظم عمومی جامعه می‌باشد. در عین حال پاسداری از آزادی‌های فردی و حفظ حقوق شهروندان را نیز بر عهده دارد. و در راستای انجام وظایف مذکور است که امنیت شهروندان توأم با آزادی‌های مشروع به طور همزمان مصون و محفوظ می‌ماند. از آنجا که انجام وظایف دوگانه فوق‌الاشعار به هم پیوسته و تفکیک‌ناپذیر است. عدم اجرا و یا اجرای ناقص هر دسته از این وظایف می‌تواند در نقض حقوق شهروندان تا حد زیادی تأثیرگذار باشد. مطابق مقررات ماده ۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی تمامی وظایف دادستان در حوزه قضایی بخش به عهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرسی علی‌البدل دادگاه است. این در حالی است که در بعضی بخش‌ها به علت کمبود جمعیت و یا کمبود نیروی انسانی در حوزه قضایی صرفاً یک قاضی وجود دارد. از طرفی چون مطابق مقررات ماده ۲۹۹ قانون فوق‌الاشعار دادگاه بخش صلاحیت و شأنیت دادگاه کیفری دو را دارد. برخی از وظایف نظارتی رئیس حوزه قضایی بخش به جانشینی از دادستان در روند رسیدگی اعم از مرحله تحقیقات مقدماتی یا مرحله دادرسی به معنای اخص قابل اجرا نیست و این امر می‌تواند در بعضی موارد تا حدود زیادی موانعی در فرآیند یک دادرسی عادلانه در دادگاه بخش را ایجاد نماید و موجبات تضييع حقوق شهروندان در مقام شاکی یا مشتکی عنه را فراهم آورد. لذا در این نوشتار ضمن مشخص نمودن اهم وظایف رئیس حوزه قضایی بخش به جانشینی دادستان به بررسی موانع انجام وظایف و راهکارهای برون رفت تا حد امکان می‌پردازیم.

۱ - مفهوم لغوی و اصطلاحی

ضابط از ریشه ضبط و در لغت به معنی نگاه دارنده، حفظ کننده، نیرومند و حاکم است. ضابط به موجب قانون دارای اختیاراتی است که می تواند منجر به سلب آزادی افراد و توقیف و بازداشت آنان شود و از طرفی به صورت مستمر با حقوق و حریم خصوصی شهروندان به جهت انجام وظیفه در راستای حفظ نظم و امنیت جامعه مرتبط می باشد.

۲ - اهمیت آموزش ضابطان در فرآیند دادرسی عادلانه

ضابطان دادگستری یکی از ارکان مهم و تأثیرگذار در فرآیند دادرسی عادلانه خصوصاً در مرحله تحقیقات مقدماتی و بالاخص جرائم مشهود می باشند زیرا نه تنها به نیابت از مقام قضائی وظایف تعقیب و تحقیقات را انجام می دهند بلکه در جرائم مشهود بخشی از اقدامات قضائی را رأساً بر عهده دارند. مطابق ماده ۲۸ ق.آ.د.ک ((ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسائی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می کنند.)) بدیهی است ضابطان در بخش ها و وظایف مذکور را تحت نظارت و تعلیمات رئیس حوزه قضائی بخش انجام می دهند مطابق ماده ۲۹ قانون صدرالذکر ضابطان دادگستری به دو دسته تقسیم می شوند: دسته اول: ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند. دسته دوم: ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول می شود، ضابط محسوب می شوند. براساس تبصره ۱ ماده ۳۰ ق.آ.د.ک ((دادستان مکلف است به طور مستمر دوره های آموزشی حین خدمت را

جهت کسب مهارت های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.)
 که این تکلیف قانونی در بخش بر عهده رئیس حوزه قضایی می باشد.

۳ - علت آموزش ضابطان توسط رئیس حوزه قضایی یا دادستان

از آنجا که ضابطان دادگستری عموماً نیروهای نظامی و انتظامی هستند و مطابق قانون مجهز به سلاح گرم و انواع تجهیزات نظیر دستبند و افشانه های گوناگون می باشند. همچنین در راستای انجام وظایف محوله قانونی در راستای حفظ نظم و امنیت جامعه خصوصاً دستگیری و توقیف افراد و بازرسی و ورود به حریم خصوصی شهروندان در رسیدگی به جرائم مشهود بدون دستور مقامات قضایی می باشند و تمام وظایف مذکور را به نیابت از مقامات قضایی انجام می دهند لذا آموزش افراد مذکور ضرورتاً میبایستی توسط دادستان و یا رئیس حوزه قضایی بخش انجام شود به همین جهت تبصره ۱ ماده ۳۰ ق.آ.د.ک مقرر نموده ((دادستان مکلف است به طور مستمر دوره های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید)) فلذا این تکلیف قانونی در بخش ها بر عهده رئیس حوزه قضایی می باشد.

ب - آموزش مهارت های لازم تحت نظارت رئیس حوزه قضایی :

مطابق ماده ۳۰ قانون آ.د.ک احراز عنوان ضابط دادگستری علاوه بر وثاقت منوط به فراگیری مهارت های لازم با گذراندن دوره های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی است که تبصره ۲ همین قانون نحوه آموزش و نوع مهارت های لازم را به تصویب آئین نامه اجرائی که توسط وزیر دادگستری با همکاری وزاری اطلاعات ، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و کشور و فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد موکول کرده است.

۱ - نحوه مراحل آموزش :

مطابق ماده ۲ آئین نامه اجرائی فرماندهان و افسران و درجه داران نیروی انتظامی با یک برنامه ریزی تعیین شده از سوی فرمانده نیروی انتظامی هر حوزه قضایی جهت احراز عنوان ضابط دادگستری باید به دادستان و در بخش ها به رئیس حوزه قضایی بخش معرفی گردند تا

دوره های آموزشی تعیین شده را طی نمایند و کارت ویژه ضابط دادگستری را در صورتی که واجد شرایط مقرر در ماده ۳۰ قانون مذکور باشند دریافت کنند.

۲- آموزش گزارش آنان به منزله گزارش ضابطان دادگستری است

برخی از مأموران نظیر مأموران جهاد کشاورزی و شهرداری ها گزارشاتشان به موجب قانون برای مقامات قضائی به منزله گزارش ضابطان دادگستری است. لذا این دسته از مأموران مطابق ماده ۳ از دایره مشمول آئین نامه اجرائی خارج شده و آموزش آنها خارج از وظائف دادستان و رئیس حوزه قضائی بخش می باشد

۳- آموزش مأمورانی که در قانون صراحتاً به ضابط بودن آنها اشاره نشده است

عده ای از مأموران نظیر بازرسان و کارشناسان مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی و بازرسان وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مطابق قانون تکالیفی مشابه ضابطان دادگستری بر عهده دارند اما در قانون به ضابط بودن آنها صراحتاً اشاره نشده لذا این دسته از مأموران نیز مطابق ماده ۳ از دایره مشمول آموزش های مندرج در آئین نامه خارج شده و رئیس حوزه قضائی بخش تکالیفی جهت آموزش این گروه ندارد و حسب مورد مشمول قوانین خاص خود می باشند.

پ- حدود وظایف و تکالیف رئیس حوزه قضائی بخش در آموزش مهارت ها

باید توجه داشت که ریاست دادستان بر ضابطان همانطور که در ماده ۳۲ مقرر شده است، از حیث وظایفی است که به عنوان ضابط به عهده دارند و این ریاست مطلق و همه جانبه نمی باشد. در نتیجه ضابطان در امور قضائی و مسائل مربوط به کشف جرم و تحقیقات مقدماتی از هیچ مقام دیگری تبعیت نمی کنند. لذا باید در نظر داشت آموزشهای لازمه جهت فراگیری مهارتها توسط رئیس حوزه قضائی بخش یا دادستان صرفاً در حیطه وظایفی است که مأمورین به عنوان ضابط بر عهده دارند.

ت- اهداف آموزش ضابطان توسط مقام قضائی

در ماده ۵ از فصل دوم آئین نامه اجرائی هدف از آموزش خاص ضابطان ۱- ارتقاء دانش حقوقی ۲- توانمند سازی و افزایش مهارت شغلی ۳- کمک به افزایش سطح کیفی مرحله

کشف جرم در نظام دادرسی کیفری ۴ - کمک به سرعت و دقت در رسیدگی های کیفری ۵ - آموزش مهارت های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص ۶ - آموزش سامانه مدیریت پرونده قضایی (سمپ) در زمینه ورود اطلاعات و مکاتبات مکانیزه با مراجع قضایی بیان گردیده است و در ماده ۶ نیز متذکر شده دانش آموختگان دوره های آموزشی باید به توانایی های لازم از جمله ۱ - شناخت موضوعات مهم و اساسی حقوق کیفری ماهوی ۲ - شناخت موضوعات مربوط به صلاحیت و تشکیلات سازمان های کیفری ۳ - توانایی تشخیص نحوه تفکیک جرایم مشهود از غیر مشهود ۴ - تشخیص نوع وظایف و اختیارات آنها در جرایم مشهود و غیر مشهود ۵ - توانایی تشخیص مسئولیت های کیفری و مدنی ناشی از اعمال زیان بار ضابطان ۶ - توانایی و شناخت لازم جهت همکاری و تعاون با سایر مراجع قضایی در امور کیفری ۷ - شناخت ادله اثباتی جرم و آثار آن نائل گردند.

با توجه به گستردگی اهداف و نتیجه آموزشها و از آنجا که برخی از موارد از مباحث تخصصی در رشته فناوری اطلاعات و رایانه می باشد به نظر می رسد مسئولیت تمام موارد آموزشی از عهده دادستان یا رئیس حوزه قضایی بخش خارج است لذا در تبصره ماده ۶ تعیین سرفصل های آموزشی و موارد درسی به عهده معاونت منابع انسانی قوه است.

الف: نظارت های مرتبط با حفظ حقوق شهروندی

قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی در ماده ۷ بیان کرده رعایت حقوق شهروندی مقرر در ((قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵)) در تمام مراحل دادرسی کیفری از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند الزامی است.

متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد. ماده ۱۳ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می دارد ((محاکم و دادسراها بر بازداشتگاه های نیروهای ضابط یا دستگاه هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می دهند و

نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود. با مذاقه در بندهای پانزده گانه ماده واحده فوق‌الذکر عمده آزادی‌های مدنظر قانونگذار مربوط به آزادی تن و منع دستگیری و بازداشت افراد می‌باشد.)

۱- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد

در بند ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع بیان شده اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضائی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

در این بند صرفاً در مورد زمان نگهداری افراد بازداشتی به مهلت مقرر اشاره نموده و هیچ زمان مشخصی را اعلام نکرده است البته در زمان تصویب این قانون مقررات قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) حاکم بود که به ضابطین اجازه نگهداری افراد تحت نظر را تا بیست و چهار ساعت می‌داد اما با تصویب قانون جدید مطابق ماده (۴۶) چنانچه در جرائم مشهود نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد ضابطان موظفند علاوه بر تفهیم موضوع و ادله اتهام مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند و در ماده (۴۷) نیز ادامه داده چنانچه بازداشت افراد خارج از وقت اداری باید مراتب حداکثر ظرف یک ساعت به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود.

اعلام این امر به دادستان نمی‌تواند تا پایان مدت تحت نظر به تأخیر افتد بلکه این امر باید به همراه ذکر مشخصات متهم و علت تحت نظر قرار گرفتن او حداکثر ظرف یک ساعت به دادستان اعلام گردد. لذا به نظر می‌رسد نظارت بر نحوه اجرای مقررات فوق تا حد زیادی در جلوگیری از بازداشت‌های غیر ضروری و اضافی جلوگیری نماید که با بازرسی‌ها و نظارت‌های مستمر رئیس حوزه قضائی بخش از مراجع انتظامی تحت نظارت محقق می‌شود بدیهی است نظارت و بازرسی میبایستی سرزده و به صورت متناوب و در ساعات شب یا روز باشد

این نظارت‌ها الزاماً قائم به شخص رئیس حوزه قضایی نیست بلکه ممکن است احد از قضات از طرف رئیس حوزه قضایی از مراجع انتظامی بازدید و وظایف نظارتی را انجام دهد.

۲. نظارت بر مکان نگهداری افراد بازداشتی

یکی دیگر از وظایف نظارتی رئیس حوزه قضایی بخش در رابطه با ضابطین بازرسی و بازدید از بازداشتگاه‌ها می‌باشد. از آنجا که افراد بازداشتی صرفاً به اتهام ارتکاب جرم دستگیر شده‌اند و توسط هیچ دادگاهی مجرم شناخته نشده‌اند از حقوق ویژه‌ای متفاوت از سایر افراد محروم از آزادی برخوردار می‌باشند لذا حداقل رعایت حقوق بازداشت‌شدگان ایجاب می‌نماید که در مکان مناسب، دارای نور کافی و امکانات بهداشتی نگهداری شوند همچنین نحوه نگهداری متهمین نباید تحقیرآمیز و موجب استحقاق آنها شود نظیر نگهداری در مکان‌هایی به صورت قفس که از موارد نقض صریح و آشکار حقوق انسانی است.

ب: نظارت جهت جلوگیری از اذیت و ایدای افراد

در بند ۶ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر شده در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء تحقیر و استحقاق به آنان اجتناب گردد. و در بند ۷ ادامه می‌دهد بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف متعارف خودداری ورزند و به جای آن از شیوه‌های علمی و فنی و تحقیق و بازجویی و تکنیک‌های مدرن استفاده شود.

از آنجا که مقامات بازداشت فرادست و بازداشت‌شدگان فرودست می‌باشند هرکدام از موارد مذکور در هر زمان ممکن است اتفاق بیافتد و تنها قدرت بازدارنده نظارت مستقیم و گاه و بی‌گاه مقام قضایی است که می‌تواند مؤثر واقع شود. لذا به همین جهت قانونگذار نظارت بر ضابطین را تکلیف دادستان و در بخش تکلیف رئیس حوزه قضایی بخش قرار داده است با توجه به پیشرفت امکانات رایانه‌ای منعی برای نظارتها با کارگذاری دوربین در مراجع انتظامی به جهت بررسی رفتار ضابطین با متهمین و سایر اصحاب پرونده وجود ندارد و چنانچه

مقامات قضایی از این تکنولوژی استفاده نمایند انجام تکلیف نظارتی سهل تر و دقیق تر می شود.

۱- نظارت های مربوط به مسائل پزشکی

با توجه به ماده ۵۱ ق. آ. د. ک افراد بازداشتی یا بستگان ایشان می توانند تقاضای معاینه فرد تحت نظر توسط پزشک را با تعیین دادستان نمایند و گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می شود لذا این نظارت می تواند از شکنجه متهم توسط مأموران جلوگیری نماید.

پ- نظارت بر سلامتی جسمی و روانی و مصونیت افراد بازداشتی از شکنجه

رعایت کرامت انسانی ایجاب می نماید فرد نباید تحت اجبار، شکنجه، تهدید و فشار قرار گیرد. منع شکنجه و هرگونه رفتار غیر انسانی با بازداشت شدگان در اسناد بین المللی و قوانین اساسی کشورها پیش بینی شده است. منع شکنجه و رفتار موهن یا بی رحمانه، یک قاعده حقوق بین المللی عرفی شمرده می شود که به دسته قواعد آمره نیز تعلق دارد.

از آنجا که بیشتر افراد در معرض شکنجه و رفتارهای غیر انسانی و تحقیرآمیز از میان بازداشت شدگان می باشند یکی از مهمترین تکالیف نظارتی رئیس حوزه قضایی خصوصاً در بخش های محروم از نظر فرهنگی و آشنایی به قوانین و مقررات می باشد. لذا در راستای انجام این وظیفه ایجاب می نماید رئیس حوزه قضایی علاوه بر بازرسی های متناوب در ساعات مختلف شبانه روز از بازداشتگاه ها همه روزه در محل دادگستری به وضعیت جسمی متهمین شخصاً یا از طریق رؤسای شعب نظارت داشته باشد برای تعیین اهمیت موضوع اشاره به اسناد بین المللی و قوانین داخلی ضروری است.

الف) ممنوعیت شکنجه جسمی در قوانین ایران

در قوانین ایران ممنوعیت شکنجه تصریح شده و تضمیناتی نیز برای جلوگیری از آن وجود دارد. برای اولین بار در حقوق ایران ماده ۱۹۴ قانون مجازات عمومی مصوب بهمن ۱۳۰۴ به صراحت شکنجه و آزار را منع نموده است. پس از آن مواد قانونی متعددی به طور ضمنی یا صریح در مورد ممنوعیت شکنجه وضع شده است. اما مهمترین تضمین اصل سی و هشتم قانون قانون اساسی است که به طور مطلق شکنجه را ممنوع دانسته و بیان می دارد: ((هرگونه

شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است ، اجبار شخص به شهادت ، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است)). متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود در ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر شده : ((هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی و یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را محکوم به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهند ، به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شدو اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.))

وظایف رئیس حوزه قضایی بخش به جانشینی از دادستان در فرآیند قضایی قبل و بعد

از صدور رأی

الف) وظایف رئیس حوزه قضایی بخش قبل از صدور رأی

وظایف و اختیارات دادستان در مرحله تحقیقات مقدماتی در فصل سوم قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی از ماده ۶۴ تا ۸۹ به تفصیل بیان شده لذا با توجه به ماده ۲۴ قانون مذکور که این وظایف را در حوزه قضایی بخش به عهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی دادرس علی البدل گذاشته مطابق ماده ۶۴ قانون صدرالذکر اولین وظیفه رئیس حوزه بخش شروع به تعقیب که جهات قانونی آن شکایت شاکی یا مدعی خصوصی ، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری ، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن ، وقوع جرم مشهود در برابر دادستان اظهار و اقرار متهم ، اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر می باشد. بدیهی است در حوزه قضایی بخش قاضی کشیک نیز دارای اختیارات مذکور می باشد. نکته ای که در خصوص اطلاع رئیس حوزه قضایی بخش از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر می باشد نیاز به توضیح دارد. این است که منظور از طرق قانونی طریقه های متعارف می باشد مثل اطلاع از وقوع جرم در اخبار رادیو و تلویزیون یا از طریق مطبوعات و سایر رسانه های رسمی و قانونی. به همین جهت ماده ۶۷ قانون مورد اشاره بیان می دارد : ((گزارش ها و نامه هایی که هویت گزارش دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست. نمی تواند مبنای

شروع به تعقیب قرار گیرد، مگر آنکه دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است. یا همراه با قرائنی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می‌کند.

الف - تکلیف رئیس حوزه قضائی به شروع به تعقیب

ماده ۶۹ ق. آ. د. ک مقرر می‌دارد: ((دادستان مکلف است شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء یا اثر انگشت شاکی می‌رسد. هرگاه شاکی سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود.)) با مذاقه در مقرر فوق ملاحظه می‌شود در رابطه با تمام موارد جهات قانونی شروع به تعقیب قانونگذار به شکایت شاکی اهمیت بیشتری داده و رسیدگی به شکایت را نه تنها تکلیف رئیس حوزه قضایی یا دادستان نموده بلکه آن را محدود به هیچ زمانی نکرده و با قید همه وقت به صورت شبانه روزی مقامات قضایی را موظف به رسیدگی به جرم نموده است. از طرفی اعلام شکایت از طرف شاکی را مقید به مکتوب نمودن نیز نکرده بلکه مقام قضایی را موظف کرده مراتب شکایت شاکی را طی صورت جلسه مکتوب و رسیدگی نمایند.

۱ - رسیدگی به شکایت محجورین

ماده ۷ ق. آ. د. ک مقرر نموده ((در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی و بزه دیده، محجور می‌باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود. تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می‌آورد این حکم در مواردی که بزه دیده، ولی یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است.

۲ - رسیدگی به شکایت سفیه و مجنون

در تبصره ماده ۷۰ ق. آ. د. ک حق شکایت کیفری در غیر موارد مالی برای سفیه محفوظ است لیکن در مواردی که دعای کیفری جنبه مالی دارد رعایت مقررات مقرر مذکور الزامی است. اما در زمانی که بزه دیده طفل یا مجنون باشد و تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نکند مطابق مقررات ماده ۷۱ قانون صدرالاشاره دادستان موضوع را تعقیب می کند. همچنین در مورد بزه دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوی هستند دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می کند. نظر به مراتب مذکور در مقررات مواد قانونی فوق الذکر اهمیت تظلم خواهی به صراحت و شفاف بیان شده و این مهم در حوزه قضایی بخش به عهده رئیس حوزه و در غیاب وی دادرسی علی البدل می باشد.

ب - نظارت و تعلیمات لازم در مرحله مقدماتی

مطابق ماده ۷۳ ق. آ. د. ک دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می شود حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارد. همچنین وفق مقررات ماده ۱۰۵ قانون مذکور بازپرس موظف است در جریان تحقیقات، تقاضای قانونی دادستان را اجرا و مراتب را در صورت مجلس قید کند و هرگاه در هنگام اجرا با اشکال مواجه شود، به نحوی که انجام تقاضا مقدور نباشد مراتب را به دادستان اعلام نماید. مقررات مواد قانونی مورد اشاره گرچه در باب نظارت بر عملکرد قضات جوان و دادن تعلیمات لازمه تأثیر به سزائی در روند دادرسی عادلانه دارد اما به جهت اینکه قضات دادگاه بخش شأنیت قضات دادگاه کیفری دو را دارند مقدور نیست و قابلیت اجرا ندارد. لذا رئیس حوزه قضائی بخش در خصوص موارد مذکور نه تنها تکلیفی ندارد بلکه حق مداخله نیز نخواهد داشت. لذا به نظر می رسد نظارت رئیس حوزه قضائی در بخش صرفاً در حد ارجاع پرونده به قضات سایر شعب می باشد.

پ - اتمام مرحله تحقیقات مقدماتی

مستفاد از ماده ۲۶۵ ق. آ. د. ک پس از پایان تحقیقات مقدماتی قاضی دادرسی در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی

و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند. و مطابق ماده ۲۶۶ قانون مورد اشاره اگر تحقیقات را کامل نداند تکمیل آن را می‌خواهد و با توجه به ماده ۲۶۹ نیز چنانچه دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند. پرونده برای حل اختلاف به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می‌شود. این در حالی است که رئیس حوزه قضایی بخش به جهت اینکه تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه انجام می‌شود فاقد اختیارات مذکور بوده و حق مخالفت با قرار منع یا موقوفی تعقیب صادره توسط قاضی دادگاه را ندارد و قاضی دادگاه بخش نیز به جهت حفظ استقلال موظف به تبعیت از نظر رئیس حوزه قضایی نیست مضافاً اساساً چون رسیدگی مقدماتی و رسیدگی مرحله محاکماتی توسط یک قاضی انجام می‌شود و به صورت یک مرحله ای است قرار جلب به دادرسی در دادگاه بخش فاقد موضوعیت و صادر نمی‌شود.

ث - ممنوعیت تحقیقات مقدماتی پیرامون اتهامات بخش داران

یکی از نوآوری‌های قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی ماده ۳۰۸ این قانون می‌باشد که رسیدگی به اتهامات برخی از مقامات سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی من جمله بخشداران را در صلاحیت دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم دانسته لذا رئیس حوزه قضایی بخش در خصوص رسیدگی به اتهام بخشدار صلاحیت ندارد و مجاز به رسیدگی نیست. این در حالی است که در قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۹ این استثناء وجود نداشت و رئیس حوزه قضایی صلاحیت رسیدگی به اتهامات بخشدار را نیز داشت این مقرر جدید التأسیس تا حدود زیادی اختیارات رئیس حوزه قضایی را کاهش می‌دهد.

ج - نظارت رئیس حوزه قضایی بخش بر روند رسیدگی در دادگاه
براساس مقررات ماده ۲۶۸ ق. آ. د. ک پس از اینکه بازپرس با اعلام ختم تحقیقات قرار
جلب به دادرسی صادر می نماید در صورت موافقت دادستان مکلف است ظرف دو روز با
صدور کیفرخواست پرونده را از طریق شعبه بازپرسی به دادگاه صالح ارسال نماید. در همین
راستا دادگاه رسیدگی کننده موظف به دعوت از دادستان در جلسه رسیدگی برای دفاع از
کیفرخواست می باشد. لذا دادستان با حضور در دادگاه جهت دفاع از کیفرخواست منویات
خود را در فرآیند رسیدگی محاکماتی اعمال می نماید. اما در دادگاه بخش به دلیل رسیدگی
یک مرحله ای نه تنها پس از ختم تحقیقات مقدماتی قرار جلب به دادرسی صادر نمی شود
بلکه با توجه به استقلال و شأنیت دادگاهی مقام تحقیق رئیس حوزه قضایی حق مداخله و
اظهارنظر نداشته ، متعاقباً کیفرخواستی هم صادر نمی شود فلذا موجبی برای دعوت رئیس
حوزه قضایی در مرحله رسیدگی محاکماتی وجود ندارد و به همین دلیل رئیس حوزه قضایی
در دادگاه حضور ندارد.

بند دوم - وظایف رئیس حوزه قضایی بخش بعد از صدور رأی
مطابق نص صریح بند پ ماده ۴۳۳ ق. آ. د. ک دادستان از جهت برائت متهم ، عدم
انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات حق درخواست تجدیدنظر یا فرجام دارد.
الف - نحوه تجدید نظرخواهی رئیس حوزه قضایی در دادگاه بخش نسبت به آراء و
قرارهای قابل اعتراض

به موجب ماده ۳۳۶ قانون آ. د. ک در دادگاه بخش وظیفه دادستان از حیث تجدید
نظرخواهی از آراء بر عهده رئیس دادگاه و در مورد آرائی که توسط وی صادر می شود بر
عهده دادرس علی البدل می باشد. با مذاقه در مقرر مذکور ملاحظه می شود. قانونگذار در
متن قانون عبارت رئیس دادگاه را به کار برده لذا باید به این نکته توجه داشت که منظور از
رئیس دادگاه در بخش هایی که دارای شعب متعدد می باشد رئیس شعبه اول یا همان رئیس
حوزه قضایی است. لذا تمام احکام و قرارهای صادره توسط شعب دادگاه بخش میبایستی

مطابق مقررات پیش گفته به رئیس حوزه قضایی ابلاغ و مشارئلیه در صورت مخالفت ظرف مهلت مقرر در ماده ۴۳۱ قانون صدرالذکر اعتراض خود را اعلام نماید.

۱ - نحوه تجدید نظرخواهی به جانشینی از دادستان در دادگاه های بخش با شعبه واحد تجدید نظرخواهی نسبت به آراء و قرارهای قابل اعتراض در دادگاه های بخش که صرفاً دارای یک شعبه می باشد در دو حالت متصور است اگر آراء و قرارهای قابل اعتراض توسط دادرس علی البدل صادر شده باشد به شکل پیش گفته به رئیس دادگاه ابلاغ و در صورت مخالفت ظرف مهلت مقرر اعتراض می کند. چنانچه آراء و قرارهای قابل اعتراض توسط رئیس دادگاه صادر شده باشد با توجه به قسمت اخیر ماده ۳۳۶ ق.آ.د.ک به دادرس علی البدل ابلاغ و مشارئلیه وفق مقررات ماده قانونی اخیرالذکر اقدام می نماید.

۲ - نحوه تجدید نظرخواهی به جانشینی از دادستان در دادگاه های بخش با شعبه و قاضی

واحد

برخی از دادگاه های بخش به جهت فاصله زیاد از مرکز و یا جمعیت محدود صرفاً توسط یک رئیس دادگاه و یا صرفاً توسط دادرس علی البدل اداره می شود لذا در خصوص اعتراض به آراء و قرارهای قابل اعتراض در این گونه دادگاه ها قانونگذار ساکت است و راه حلی ارائه نکرده است اما اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره - ۷/۹۹/۲۰۱۳ مورخه ۱۴۰۰/۲/۸ اعتراض به آراء و قرارهای قابل اعتراض در دادگاه هایی که توسط یک قاضی اداره می شود را به عهده دادستان مرکز استان گذاشته است فلذا میبایستی آراء و قرارهای قابل اعتراض در دادگاه های بخش که توسط رئیس یا دادرس علی البدل به تنهایی اداره می شود به دادستان ابلاغ و مشارئلیه ظرف مهلت قانونی فوق الذکر اقدام نماید.

ب - صدور دستور ضبط وجه الضمان و نحوه اجرای آن در دادگاه بخش

مستفاد از مقررات ماده ۲۳۰ ق . آ . د . ک متهمی که خودش ملتزم شده و یا پس از صدور قرار تأمین کیفری وثیقه یا کفالت یا معرفی وثیقه گذار و سپردن وثیقه یا معرفی کفیل آزاد شده است. در صورتی که حضورش لازم باشد و ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است ، در صورت ابلاغ واقعی اختاریه ، وجه التزام تعیین شده و یا وجه الکفاله و یا از وثیقه به

دستور دادستان ضبط می شود و مطابق ماده ۵۳۷ قانون صدرالذکر اجرای دستورهای دادستان بر عهده معاونت اجرای احکام کیفری است. و براساس ماده ۲۳۵ همین قانون مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور دادستان دادگاه کیفری دو است. لیکن در حوزه قضایی بخش تا حدودی قانونگذار با تصویب مقررات دیگری در رابطه صدور دستور ضبط و اجرای آن قائل به تفکیک شده که به شرح آتی به آن پرداخته می شود.

۱ - صدور دستور اخذ وجه الکفاله ، وجه التزام و ضبط وثیقه

مطابق تبصره ۲ ماده ۲۳۵ ق . آ . د . ک ((مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور رئیس یا دادرس دادگاه عمومی بخش ، دادگاه کیفری دو نزدیکترین شهرستان آن استان است.)) هر چند که در حوزه قضایی بخش ، وظایف دادستان اصولاً بر عهده رئیس حوزه قضایی است ، ولی از تبصره فوق معلوم است که در این حوزه ها صدور دستور اخذ وجه الکفاله ، وجه التزام یا ضبط وثیقه بر عهده رئیس دادگاه یا دادرس دادگاه عمومی بخش قرار دارد. با تحقیقات میدانی انجام شده رویه علمی دادگاه های بخش نیز به شرح فوق می باشد.

۲ - اجرای دستور اخذ وجه الکفاله ، وجه التزام و ضبط وثیقه

براساس تبصره ۳ ماده ۴۸۴ ق . آ . د . ک ((در حوزه قضایی بخش ، اجرای احکام کیفری به عهده رئیس دادگاه و در غیاب وی با دادرس علی البدل است.))

با توجه به این تبصره ملاحظه می شود قانونگذار از عبارت رئیس دادگاه برای احکام کیفری استفاده کرده است اما با توجه به برخی دیگر از مواد قانون فوق الاشعار که منظور قانونگذار از عبارت مذکور برای رئیس حوزه قضایی بخش بوده و با توجه به نظریه ۷/۹۴/۲۸۴۸ - مورخه ۹۴/۱۰/۱۹ اداره حقوقی قوه قضائیه که مؤید همین مطلب می باشد نتیجه گرفته می شود اجرای دستور اخذ وجه الکفاله ، وجه التزام و ضبط وثیقه در حوزه قضایی بخش بر عهده رئیس حوزه و در صورت تفویض اختیار با دادرس علی البدل می باشد. با تحقیقات میدانی انجام شده رویه علمی دادگاه های بخش نیز به همین شیوه می باشد.

۳- اعتراض به دستور اخذ وجه الكفاله ، وجه التزام و ضبط وثيقه

با توجه به تبصره ۲ ماده ۲۳۵ ق. آ. د. ک مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور رئیس یا دادرس دادگاه عمومی بخش دادگاه کیفری دو نزدیکترین شهرستان آن استان است. معمولاً در شهرهایی که دادرس تشکیل شده مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور اخذ وجه الكفاله ، وجه التزام و ضبط وثيقه که توسط دادستان صادر شده دادگاه کیفری دو همان شهر می باشد و تحلیل قانونگذار قطعاً طبقه بندی در ساختار نظام قضایی است که مرجع عالی به اعتراضات مربوط به مرجع پایین تر رسیدگی می کند.

اما در خصوص رسیدگی به اعتراضات مربوط به صدور دستور اخذ وجه الكفاله ، وجه التزام و ضبط وثيقه که توسط رئیس یا دادرس دادگاه بخش صادر می شود در دادگاه کیفری دو که هم عرض و از نظر صلاحیت با دادگاه بخش هم شأن می باشد امری استثنائی است. زیرا تمامی آراء و قرارهای صادره توسط مقامات قضایی بخش در دادگاه تجدیدنظر استان که مرجعی دارای رجحان نسبت به دادگاه بخش می باشد رسیدگی می شود. به هر صورت می توان چنین فرض نمود که چون صدور این دستور به جانشینی از دادستان انجام می شود موجب تصویب چنین مقرره ای توسط قانونگذار باشد اما باید توجه داشت حتی تصمیماتی که رئیس یا دادرس دادگاه بخش در مرحله تحقیقات مقدماتی که در مقام دادرس است می گیرد. در آن قسمت که قابل اعتراض است مرجع رسیدگی دادگاه تجدید نظر استان تهران می باشد.

۴- شرایط عدول از دستور اخذ وجه الكفاله ، وجه التزام و ضبط وثيقه

پس از صدور دستور ضبط مبنی بر اخذ وجه الكفاله ، و یا ضبط وثيقه و یا وجه التزام توسط رئیس یا دادرس دادگاه بخش ، و پیش از عملیات اجرایی ممکن است متهم خودش در مرجع قضایی حاضر شود و یا اینکه کفیل یا وثيقه گذار او را حاضر کند گرچه ماده ۲۳۶ ق. آ. د. ک تحت فروض مختلفی در این خصوص پیش بینی لازم را نموده است. اما این سؤال نیز مطرح است که آیا مقام قضایی صادرکننده دستور ضبط می تواند اساساً و به طور کلی از دستور خود عدول نماید و از ضبط حتی مقداری از وجه الكفاله ، وثيقه یا وجه التزام صرف

نظر نماید. پاسخ این سؤال منفی است اما اگر مقام قضایی پی به اشتباه خود ببرد و متوجه شود که دستور ضبط مبنی بر اشتباه صادر شده در این صورت مانند سایر دستورها قابل عدول از سوی مقام صادرکننده می باشد. مثالی که می توان برای این حالت بیان نمود زمانی که نیاز به حضور متهم نبوده و بی جهت احضار شده است و حضور نیافته سپس دستور ضبط صادر شده است. البته عدول از دستور تا زمانی ممکن است که به تأیید دادگاه نرسیده باشد لذا چنانچه به دستور صادره اعتراض شده باشد و در دادگاه تأیید شده باشد قابل عدول نیست.

نتیجه گیری

به رغم بعضی تفکرات که نظارت رئیس حوزه قضایی بر عملکرد ضابطین را مداخله و ممانعت از برخورد ضابطین با مجرمین دانسته و معادل ناامنی و پائین آمدن ضریب امنیت اجتماعی می داند و نظارت قضایی در فرآیند رسیدگی به پرونده توسط قضات را به مثابه نقض استقلال قضایی، که از ارکان دادرسی عادلانه می باشد قلمداد می کنند. این اندیشه در تمام نظام های حقوقی مدرن و منطبق با استانداردهای بین المللی حقوق بشر مطرود بوده، و پذیرفته نیست. بلکه نظارت های دقیق و علمی مبتنی بر موازین و مقررات قانونی توسط رئیس حوزه قضایی بر اعمال و رفتار ضابطان و نحوه رسیدگی قضات در راستای حفظ امنیت و صیانت از حقوق و آزادی های مشروع شهروندان بسیار حائز اهمیت و در درازمدت یک امنیت پایدار و با ثبات را برای جامعه در پی خواهد داشت. از آنجا که بازداشت های غیرقانونی و اضافی یا غیر ضروری و شکنجه و آزارهای جسمی و روحی از مهمترین موارد نقض حقوق شهروندان توسط ضابطان به علت عدم آگاهی به مقررات و موازین قانونی و یا سهل انگاری در انجام وظایف می باشد. لذا اهم وظایف نظارتی رئیس حوزه قضایی بخش میبایستی معطوف به صیانت از حقوق شهروندان در راستای جلوگیری از موارد مذکور می باشد. از طرفی باید توجه داشت افراد بازداشتی به علت قرار گرفتن در یک موقعیت فرودست حتی اگر از تمامی حقوق خود نیز مطلع باشند امکان استیفاء کامل از این حقوق را ندارند. همچنین ناکارآمدی سیستم زندان بانی و بازداشتگاه ها در اکثر جوامع خصوصاً بخش های دور افتاده و ناتوانی آن در غلبه بر مشکلات عدیده مربوط به بازداشت شدگان و مطرود شدن عدالت سرکوبگرانه و رفتارهای غیرانسانی و خشن و تحقیرآمیز که می تواند آسیب های جدی و غیر قابل جبران جسمی و روانی برای افراد بازداشت شده داشته باشد. ایجاب می نماید که رئیس حوزه قضایی در راستای انجام وظایف آموزش ضابطان تلاش وافر نموده، همچنین به جهت یادآوری و جلوگیری از عدم توجه به حقوق مذکور به علت روزمرگی باید آموزش ها به صورت دوره ای و دائم برگزار شود مضافاً اینکه بازرسی از واحدهای مربوطه میبایستی به صورت دائمی و در هر ساعت از شبانه روز خصوصاً ساعت های پایانی شب که بیشترین

بازداشت‌ها در این مواقع می‌باشد انجام شود گرچه در ماده ۲۳ ق.آ.د.ک بازرسی رئیس حوزه قضایی به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان از واحدهای مربوطه را حداقل هر دو ماه یکبار ذکر شده، اما در تحقیقات میدانی ثابت شده که مهمترین تضمین برای حفظ حقوق شهروندان بازرسی همه روزه و در ساعات متفاوت می‌باشد. بی تردید در تمامی جوامع بازداشت افراد به عنوان یکی از سازوکارهای سیستم کیفری مورد استفاده قرار می‌گیرد و به عنوان یک ابزار مشروع برای کنترل جامعه می‌باشد. لیکن بازداشت یک فرد توسط مقام قضایی در درجه اول حق حیات و آزادی وی را که از مهمترین حقوق بنیادین می‌باشد به خطر می‌اندازد و او را به موقعیتی آسیب‌پذیر و بدون دفاع چه در مقابل مأموران دولتی و چه در برابر مجرمین دارای حالت خطرناک در بازداشتگاه و زندان قرار می‌دهد. لذا میبایستی برای رسیدن به دو منظور حفظ حقوق شهروندان همچنین محافظت از امنیت و نظم عمومی جامعه از ابزار بازداشت برای کنترل جامعه صرفاً زمانی در سیستم کیفری استفاده نمود که چاره‌ای جز بازداشت برای تأمین امنیت و حفظ نظم وجود نداشته باشد. از آنجا که یکی از چالش‌های دادگاه‌های بخش، جوان بودن قضات می‌باشد و تجربه نشان داده قضات جوان تمایل بیشتری به بازداشت دارند. از طرفی مهارت‌های قضایی و علمی لازم در رابطه با هنر آزاد کردن را ندارند. نظارت رئیس حوزه قضایی بخش در رابطه با عملکرد قضات دادگاه بخش بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند نقش مهمی در صیانت از حقوق شهروندان و امنیت پایدار داشته باشد با این وصف متأسفانه رئیس حوزه قضایی بر خلاف دادستان در مرحله تحقیقات مقدماتی هیچ جایگاه قانونی برای نظارت بر اقدامات قضایی قضات خصوصاً در مورد قرارهای تأمین کیفری منجر به بازداشت و سایر موارد را ندارد لذا تنها راهکار عبور از این مانع مهم تصویب قانون توسط قانونگذار در راستای تفکیک مرحله تحقیقات مقدماتی از مرحله محاکماتی و دادرسی به معنای اخص در دادگاه بخش می‌باشد بدین توضیح که در مرحله تحقیقات مقدماتی میبایستی در دادگاه بخش مقررات دادرسی در خصوص نظارت‌های رئیس حوزه قضایی به جانشینی دادستان اعمال شود تا رئیس حوزه قضایی بخش همانطور که طبق

ماده ۲۴ ق . آ . د . ک در حوزه قضایی بخش وظایف دادستان را بر عهده دارد بتواند نقش نظارتی خود را به صورت کامل ایفاء نماید.

کتابنامه

- ۱ - چانگ ، امیلی و دیگران ، بازداشت پیش از محاکمه ، اصلاحات و راه حل ها ، مترجم مهراں مهاجر ، تهران ، انتشارات وفاق ، ۱۳۸۳ .
- ۲ - خالقی ، علی ، نکته ها در قانون آئین دادرسی کیفری ، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوق شهر دانش ، تهران ، ۱۳۹۴ .
- ۳ - دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه ، تهران ، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، چاپ دوم ، دوره جدید ، ۱۳۷۷ .
- ۴ - طهماسبی ، جواد ، آئین دادرسی کیفری جلد اول ، نشر میزان ، تهران ، ۱۳۹۴ .
- ۵ - فضائلی ، مصطفی ، دادرسی عادلانه (محاکمات کیفری بین المللی) تهران ، نشر دانش ، چاپ اول ، ۱۳۸۷ .
- ۶ - اردبیلی ، محمد ، سخنرانی ، سالن اجتماعات کمیسیون حقوق بشر اسلامی
- ۷ - محمدی ، محمود ، ((مقاله حقوق شهروندی)) روزنامه اطلاعات ، ۱۷ و ۲۴ شهریور ، ۱۳۸۴ .
- ۸ - تقریرات درس آئین دادرسی کیفری کارآموزان قضائی ، مرکز آموزش قضات دادگاه بخش ، ۱۳۹۶ .
- ۹ - تقریرات مباحث دادرسی جزائی ، کارگاه های آموزشی قضات دادگاه بخش ، ۱۳۹۵ .
- ج - قوانین و اسناد
- ۱۰ - قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی
- ۱۱ - قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲
- ۱۲ - آئین نامه اجرائی عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴/۶/۳۱
- 13 - Convention against Torture and other cruel .Inhuman or Degrading Treatment or punishment(1984)
- 14 - European Convention for Prevention of Torture and Inhuman or degrading Treatment or Punishment.